



دانشگاه سبزگان

ذوالفقاری، ابوالفضل؛ صابر دمیرچی، حسین و بنجار، عبدالرضا باقری (۱۳۹۶).
بازنمایی جامعه مدنی در مطبوعات (تحلیل گفتمان جامعه مدنی در مطبوعات
ایران در دوره ۱۳۹۳-۱۳۸۸)، جامعه شناسی نهادهای اجتماعی ۴ (۹)،
۴۳-۷۷.

بازنمایی جامعه مدنی در مطبوعات

(تحلیل گفتمان جامعه مدنی در مطبوعات ایران در دوره ۱۳۹۳-۱۳۸۸)

ابوالفضل ذوالفقاری^۱، حسین صابر دمیرچی^۲ و عبدالرضا باقری بنجار^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۱۸

چکیده

جامعه مدنی مجموعه ویژه‌ای از نهادهای مختلف غیر دولتی است که می‌تواند مانع از تسلط دولت بر جامعه و فعال سازی سایر بخش های جامعه شود. این پژوهش با هدف شناخت تفاوت های نحوی بازنمایی مفهوم جامعه مدنی و صورت بندی گفتمانی آن در روزنامه‌های اصلاح طلب و اصول گرا انجام شده است. بدین منظور ۸۵ متن (سرمقاله‌ها، صفحات اندیشه) از میان روزنامه‌های پرتیراژ متعلق به دو جریان سیاسی عمده کشور یعنی اصول‌گرایان و اصلاح طلبان (در میان سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۳) انتخاب و تحلیل شده است. (در این پژوهش از روش گفتمان فرکلاف و مفصل بندی مفهومی لاکلائو و موفه برای تحلیل استفاده شده است). یافته‌ها نشان می‌دهد در مطبوعات ایران مفهوم جامعه مدنی با مفهوم مدینه النبی هم ارز قرار گرفته است. در این میان هر دو طیف در بازنمایی این مفهوم بر سه اصل دولت، شهروندی و مشارکت اجتماعی تاکید کرده‌اند. با این تفاوت که روزنامه‌های اصلاح طلب در مفصل بندی این مفهوم به قوانین مردمی و دموکراتیک متوسل می‌شوند. در مقابل روزنامه‌های اصول گرا در ساخت بندی گفتمانی از دال مرکزی جامعه- امت دینی استفاده کرده اند.

کلید واژه‌ها: بازنمایی؛ جامعه مدنی؛ مطبوعات؛ اصلاح طلبی؛ اصول گرایی.

^۱ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شاهد، zolfaghariab@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد جامعه شناسی، دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول)، h.saber91@gmail.com

^۳ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شاهد، bageri.b@gmail.com

۱- مقدمه و بیان مسئله

در سال‌های آغازین قرن بیست و یکم به رغم نظم نوین جهانی، هنوز مهمترین موضوع مشترک بسیاری از نقاط جهان دموکراسی و جامعه مدنی است (هال و کوهن، ۱۹۹۷).^۱ نکته ای که برای جامعه ایران مهم است، این است که جامعه مدنی به همه گروه ها و نهاد های اجتماعی اشاره می‌کند که در شرایط تجدد، بین گروه‌های خویشاوندی یا نهاد های باستانی از یک سو و نهاد های دولتی از سوی دیگر قرار گرفته اند است (موزلیس، ۱۳۸۲).^۲ در مورد جامعه ایران نیز ورود تجدد مقارن با جنبش مشروطه است. جنبش مشروطه خیزشی مردمی بود برای مبارزه با استبداد و خودکامگی که اصلی ترین هدف آن قانونمند کردن حکومت بوده است. (میرسپاسی، ۱۳۸۹: ۲۹۰). با این همه، در بیشتر کشورهای نیمه پیرامونی که فرایند توسعه را دیر هنگام شروع کرده اند، دولت^۳ به عنوان قدرتمند ترین دستگاه سیاسی و حقوقی که با داشتن مشروعیت در تدوین و اجرای قوانین، رسالت توسعه و جبران عقب‌ماندگی را بر عهده می‌گیرند، بسیار قدرتمند شده اند در جوامع نیمه حاشیه ای شیوه های مبتنی بر مشارکت‌گرایی-نوپه پروری رواج دارد که در آن، مردم را از طریق گنجاندن در شبکه های فردی و بسیار جزئی‌گرای حامی/مشرتی و یا عوام‌گرایی که در آن تازه واردها را بسیج کرده و به جای سازماندهی خود جوش، آن‌ها را از طریق دلبستگی توده ها به رهبری به میدان می‌آورند، منبع اصلی مشروعیت تبدیل می‌شود (موزلیس، ۱۹۷۸).

هم اکنون که یک قرن از جنبش مشروطه ایران می‌گذرد آنچه مهم است نگاهی انتقادی به این جنبش از زاویه دید جامعه ایرانی است. استراتژی تقویت جامعه مدنی در زمان جریان اصلاحات نیز بیشتر واکنشی به اقتدار دولت بود (معماریان، ۱۳۸۲: ۱۴) جامعه مدنی و عناصر معنا کننده آن به عنوان یکی از نیازها و خواسته های اصلی جامعه ایرانی به شکل غیر مستقیم با نشریات دوران مشروطه و بخصوص نشریات دوران اصلاحات وارد ایران شد. در نتیجه آنچه ما

¹ Hall

² Mouzelis

³ State

امروزه به عنوان جامعه مدنی می‌شناسیم، در واقع مفهومی رسانه‌ای است که هرگز نمی‌توان آن را جدا از مفهوم ارتباطی و رسانه‌ای اش، تصور کرد (پاکدهی و زردار، ۱۳۹۰).

اهمیت تاثیر رسانه زمانی بهتر روشن می‌شود که بدانیم برداشت‌ها، نگرش‌ها، قرائت‌ها و گفتمان‌هایی که ناظر بر مفهوم جامعه مدنی است بر فرایند، سرشت و سرنوشت شکل‌گیری و شکل دهی به پروژه‌ی جامعه مدنی در یک جامعه تاثیر بسزایی دارد (نجاتی و حسینی، ۱۳۸۰: ۱۶) بازنمودن یا بازنمایی^۱، فرایند تولید معنا از طریق چارچوب‌های مفهومی و گفتمانی^۲ است و در حقیقت به این معناست که آنچه به عنوان واقعیت یک مفهوم می‌شناسیم، در واقع تصویری برساخته شده از آن مفهوم است که در فرایند گفتمانی تولید می‌شود (هال، ۱۳۸۲). بنابراین نمی‌توان از این واقعیت چشم پوشید مفهومی که از طریق رسانه‌ها تعریف و ارائه می‌شود الزاماً تعریفی دقیق و همه‌جانبه از واقعیت‌های اجتماعی و -در این مورد از جامعه مدنی- نیست، بلکه تصویری است برساخته شده که ممکن است در برخی جنبه‌ها با تاکید اغراق آمیزی همراه باشد و از بازنمودن جنبه‌های دیگر چشم پوشی کند (دانل، ۱۳۸۰). دانستن این نکات از آن جهت اهمیت دارد که به دلیل تازه بودن ظهور این اصطلاح در جامعه سیاسی ایران و نداشتن تصویری بومی از جامعه مدنی، تصویری که مطبوعات از جامعه مدنی ارائه کرده و بازمی‌نمایند، به عنوان واقعیت جامعه مدنی در جامعه ایران پذیرفته شده و به منزله مبنای عمل و انتظارات افراد قرار می‌گیرد. بنابراین سوال اصلی پژوهش حاضر این است که مطبوعات (روزنامه‌ها) ایران اعم از چپ (روزنامه‌های همسو با اصلاح طلبان) و راست (روزنامه‌های مبین دیدگاه‌های اصول‌گرایان) مفهوم جامعه مدنی را چگونه بازنمایی کرده و عناصر اصلی هر کدام از گفتمان‌های موجود در رابطه با جامعه مدنی کدام‌اند؟

۲-پیشینه پژوهش

¹ Represent

² Discourse Type

۲-۱- پژوهش‌های تجربی

پژوهشی پیرامون "گفتمان بنیادگرایی جدید در باب جامعه مدنی، کثرت‌گرایی و مردم‌سالاری" انجام گرفته است. سوال محقق این است که آیا اسلام و جامعه مدنی از لحاظ محتوای نظری با همدیگر سازگاری دارند. نتیجه‌ای که نویسنده می‌گیرد این است که با وجود اینکه بنیادگرایی‌های رادیکال نشان داده‌اند که در مقابل گفت‌وگو و همکاری با رژیم‌های عرب و غرب دموکراتیک مقاومت می‌کنند، بنیادگرایان میانه رو برای حقوق عمومی، آزادی، کثرت‌گرایی و جامعه مدنی با بردباری عمل می‌کنند. در گرایش میانه رو، اسلام تنها وقتی مردم آن را انتخاب کرده باشند مرجع قانونی است، در صورتی که بنیادگرایی‌های رادیکال بر عملی بودن اسلام حتی در جامعه جاهلی پافشاری می‌کنند، (مصلی^۱، ۱۳۹۱). پژوهشی تحت عنوان "تحلیل گفتمانی انشقاق جریان اصول‌گرا به خرده‌گفتمان‌های جبهه‌پایداری و جبهه متحد اصولگرایی در انتخابات ۱۳۹۰" نتایج تحقیق نشان داده است که گفتمان جبهه متحد اصولگرایی دال‌های شناور خود یعنی عدالت، معنویت، پیشرفت، خدمت‌رسانی، ارزشها، توسعه اقتصادی، اسلام و مقاومت را حول دال مرکزی ولایت شکل داده است. در مقابل گفتمان جبهه‌پایداری انقلاب اسلامی دال‌های شناور معنویت، عدالت، ارزش‌ها، خدمت‌رسانی، مقاومت و عقلانیت را حول دال مرکزی ولایت مفصل‌بندی کرده‌اند. آهنگر و همکاران، ۱۳۹۳). تحقیق دیگری با عنوان "قدرت، گفتمان و زبان" به بررسی سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی می‌پردازد در حقیقت تحلیل جریان قدرت را بر تحولات و سیر مطبوعات به مثابه رکن چهارم دموکراسی، بنیان می‌نهد تا با تحلیل متون مطبوعات، چگونگی ظهور و سقوط جناح‌ها را به تصویر بکشد. این تحقیق نشان می‌دهد که قدرت پنهان در گفتمان‌های سیاسی به واسطه فرایندهای دوگانه برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی به طور کلی در اجتماع و به طور خاص در مطبوعات جریان پیدا می‌کند (سلطانی، ۱۳۹۱).

¹Ahmad mosalla

بگونه مختصر می‌توان اینگونه ارزیابی کرد که کارهای انجام شده در این زمینه در وهله اول بیشتر نگاه بازتابی به مطبوعات داشته‌اند، و دوم اینکه از نگاه ساختاری سعی در تحلیل امکان شکلگیری جامعه مدنی در وضعیت های ایده ال برآمده‌اند. حال آنکه در پژوهش حاضر مسئله، چگونگی بازنمایی و شکل‌گیری مفهوم جامعه مدنی در فضای بین‌المتنیت مطبوعات است.

۲-۲- چهارچوب نظری

انقلاب اسلامی که به شکل نظام سیاسی جمهوری اسلامی تبلور یافته بود از لحاظ گفتمانی حاصل مفصل‌بندی دو نشانه‌ی مهم جمهوریت و اسلامیت به ظاهر متضاد بود که امام خمینی (ره) به دلیل جایگاه و شان سیاسی، مذهبی و اجتماعی که داشت، حلقه‌ی واسط این دو گفتمان به شمار می‌رفت. با حاشیه‌رانی گفتمان جمهوریت در دهه‌ی اول انقلاب در جامعه دوگرایش وجود داشت: گروهی از نخبگان خواهان افزایش اختیارات ولی فقیه، دخالت گسترده‌ی دولت در اقتصاد، حمایت از اقشار محروم تأکید بر ارزش‌های اسلامی تأکید می‌کردند. در مقابل عده‌ای دیگر از نخبگان بر فقه سنتی شیعه تأکید می‌کردند، مالکیت خصوصی را به عنوان یکی از احکام اولیه مورد تأکید قرار داده و خواهان اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد بود. در دوره دوم یعنی ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶، در قوه‌ی مجریه نخبگانی به قدرت رسیدند که اگرچه در اگر چه در نگرش‌ها و سیاست‌های اقتصادی عمدتاً به گرایش دوم نزدیک بودند، اما در برخی موارد نیز با این گروه اختلافاتی داشتند (شیخ زاده، ۱۳۸۴: ۱۴۸).

با پایان جنگ تحمیلی دولت رفسنجانی با گفتمان سازندگی و نیروهای تکنوکرات مسئول بازسازی خرابی‌های جنگ و افزایش رفاه اقتصادی و اجتماعی شد. در گفتمان دولت سازندگی عنصر محوری را رشد و سازندگی، و محور منفعت را عملگرایی در تنظیم و اجرای سیاست‌ها با رعایت ارزش‌های اسلامی تشکیل می‌داد. به زبان دیگر در گفتمان سازندگی عدالت اجتماعی به مرحله‌ی پس از افزایش تولید و توسعه اقتصادی موقوف و برنامه‌های تعدیل اقتصادی و افزایش تولید در اولویت قرار گرفت. در چنین دولت نیرومندی که با توجه به وضعیت اقتصاد

نفتی به صورت سنتی حاکمان کشور را از پاسخگویی به شهروندان بی نیاز می‌کند، موازنه‌ی قدرت به زیان جامعه‌ی مدنی برهم خورد. در دوره دولت سازندگی باوجود افزایش درآمد شهرداری و توسعه فرهنگی شهرها، اما به دلیل ضعف جامعه مدنی و کاهش مشارکت سیاسی، تصلب و تورم نخبگانی در جریان و مدار گردش نخبگان ایجاد شد و این انسداد، به همراه سیاست‌های تعدیل اقتصادی موجی از نارضایتی و رویگردانی به سمت اصلاح‌گرایی را رقم زد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۹: ۹۱). از سوی دیگر پس از رحلت امام(ره) مشارکت سیاسی- اجتماعی مردم به ویژه طبقه شهرنشینی که در زمان دولت سازندگی ایجاد شده بود، به خاطر میل به رفاه داشتن از محتوای ایدئولوژیک و انقلابی خود خارج شده بود. به اعتقاد بشیریه در سال‌های پس از جنگ چون، مشارکت توده‌ای انقلابی پاسخگو نبود و در شرایط ثبات قابلیت دوام نداشت؛ لذا بحران مشارکت پیش آمد و انتخابات دوم خرداد بیانگر وجود بحران مشارکت نظام سیاسی ایران بوده است تا مشارکت سیاسی عقلانیت‌گرا و مطلوب یعنی مشارکت گروه‌های خودجوش، سازمان یافته و قابل تکوین در جامعه مدنی، مجال بروز و فعالیت بیابند (بشیریه، ۱۳۷۶: ۷۰).

مردم و به تبع آن مردم سالاری دینی را می‌توان به عنوان دال‌های کلیدی گفتمان اصلاحات مطرح کرد که مبین طرح، مفاهیم و ارزش‌هایی بود که با تأکید بر آزادی، حاکمیت قانون، انتقاد پذیری، حقوق شهروندی، مشارکت سیاسی در جامعه مدنی درصدد بود زمینه‌های ارتقای مشروعیت جمهوری اسلامی را در دو عرصه داخلی و خارجی فراهم آورد. در خصوص ورود مفهوم دال جامعه مدنی به حوزه گفتمانی می‌توان گفت که گفتمان و جریان اصلاح طلبی در درون و برون خود در بردارنده طیف‌ها و گرایش‌های متعددی بود. از جمله بخش مهمی از این جریان، جنبش دوم خرداد و طرح جامعه مدنی و توسعه سیاسی بود که به عنوان بهترین ظرف برای مظلوف مشارکت و تکمیل معوقه انقلاب اسلامی مطرح شد. همان گونه که حجاریان اذعان می‌دارد: "به نظر می‌رسد که مساله جامعه مدنی در جهت تکمیل وظائف و تکالیف معوق در جریان انقلاب اسلامی طرح شده است. به این ترتیب باز شدن فضای سیاسی کشور پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ نتیجه اجتناب ناپذیر انقلاب اسلامی ۵۷ بوده و به نظر می‌رسد

که مسأله‌ی اصلاح طلبی و توسعه اجتماعی-سیاسی در جهت تکوین وظائف و ارزش های جمهوری و تکالیف معوق در جریان انقلاب اسلامی طرح شده بود" (حجاریان، ۱۳۷۷: ۳۰۸).

جامعه مدنی

همان طور که هگل و پس از او مارکس گفته است "جامعه مدنی، کشف دنیای مدرن است". به این معنی که در پس تحولاتی که در نهایت به فروپاشی نظام فئودالی در اروپای غربی انجامید، از جمله کنده شدن گروه های بزرگ انسانی از "اجتماعات" نسبتاً منزوی و نسبتاً خودکفای روستایی و سرازیر شدن آنها به محیط های شهری جدید، ظهور تغییر اساسی در شیوه معیشت و تولید ضروریات حیات مادی و وقوع انقلاب های اجتماعی و سیاسی و دگرگونی های بنیادین در نحوه نگرش به جهان، معنای جامعه نیز دستخوش تغییرهای اساسی شد (پلامناتز، ۱۳۸۲). مجموعه این تحولات به تشخیص طبقات توسط شهر نشین به عنوان یک گروه حقوقی مستقل و پیدایش یک سازمان حقوقی مستقل انجامید. منشورهای شهری که شهر ها را همچون قلمروهای حقوقی متمایز و برخوردار از استقلال اداری و نهادهای مستقل مدنی به رسمیت می شناخت. به این ترتیب این اجتماعات شهری نسبتاً مستقل و خود گردان به عنوان مرحله ای در مسیر حرکت جوامع غربی از اقتصاد و سیاست غیر متمرکز فئودالی که بر تولید در خانوار یا در واحد مزارع اربابی^۱ متکی بود، به اقتصاد یکپارچه ملی و پیدایش بازار های واحد و دولت های ملی محسوب می شود. نکته مهم این است که وبر می گوید در قیاس با این تراز، شهر های آسیا با استثنا های محدودی، اگرچه از بازار و بارو برخوردار بودند اند اما به هیچ وجه اجتماع شهری محسوب نمی شوند (ترنر، ۱۳۷۹).

بحث مهم گرشنکرون^۲ که هر چه یک کشور دیرتر گام در مسیر توسعه بگذارد نیازمند هدایت از بالاست. اگر چه این نظریه کلیدر ارتباط با فرایند صنعتی سازی در اروپا تدوین شد،

^۱ Manour

^۲ Gerschencron

ولی به راحتی می توان آن را به سایر کشور های جهان نیز تعمیم داد. در کشورهایی که دچار توسعه دیر هنگام هستند، فرایند جذب، نیازمند اقتدارگرایی مشارکت جویانه تری است (گرنشکورن، ۱۳۸۲).

یکی از شیوه های وارد کردن طبقات پایین اجتماع در صحنه ملی سیاسی در دوران نوسازی دیرنگام و سریع استفاده از سازوکارهای عوام گرایانه جذب است. از نظر آرمانی، شیوه جذب عوام گرایانه مستلزم ساختارهای سازمانی مبتنی بر آرای مردم و شکل های سازمانی است که نیازمند رهبری محبوب است که بتواند مستقیماً به مردم متوسل شود و بدین ترتیب "واسطه ها" را کنار گذارد. به این ترتیب دولت های جوامعی که به توسعه دیر هنگام دچارند نه تنها با میراث منفی دست به گریبان اند، بلکه مسیرهایی که پس از استقلال برگزیده اند (خواسته یا ناخواسته) نیز ویژگی های اقتدارگرایانه پیش از استقلال را تحکیم کرده اند (موزلیس، ۱۳۸۲: ۲۴۲).

بازنمایی و گفتمان

گفتمان، نوعی زبان یا نظام بازنمایی است که از لحاظ سیاسی و اجتماعی بسط می یابد تا مجموعه ای از معانی را درباره یک حیطه موضوعی مهم، تولید و توزیع کند. این معانی در خدمت آن بخش از جامعه عمل می کند که گفتمان از درون آن سرچشمه گرفته است و از طریق عملکرد ایدئولوژیکی اش تلاش می کند آن معانی را به "عقل سلیم" مبدل سازد (معتد نژاد، مهدی زاده، ۱۳۸۶: ۴) عمل رسانه ها نیز بازنمایی امر پنهان و نهفته یا باورها، ایدئولوژی ها و گفتمان هاست، اما به منظور حفظ و تأمین اجماع و تظاهر به انتخاب "آزاد" فعالیت هایش را پوشیده نگه می دارد یا ارزش ها و ساختارهای بنیادین را پنهان می سازد (کالورت و همکاران،

۲۰۰۷) و به بیان آلتوسر^۳، در گفتار و کردار روزمره و در قالب عقل سلیم، و تجربه سوژه خیالی اشاعه می‌یابند (کرایب^۴، ۱۳۹۲).

باید گفت که از نظر فوکو^۵: "قدرت تنها از طریق زبان و سمبل‌ها عمل نمی‌کند، قدرت در گفتمان گسترده می‌شود؛ اما از طریق کردارهای نهادینی که وی آنها را غیر زبانی می‌نامد نیز اعمال می‌شود" (فوکو، ۱۹۷۳). فوکو بین نهاد های گفتمانی و غیر گفتمانی تمایز قائل می‌شود (فوکو، ۱۳۷۸) اما از نظر لاکلائو و موفه تمایز فوکو میان نهادهای گفتمانی و غیر گفتمانی متناقض و غیر قابل دفاع است. به نظر این دو، اگر گفتمان تأسیس‌کننده ابژه‌ها^۵ است پس هر ابژه‌ای در گفتمان و به وسیله آن تشکیل می‌شود و تمایز میان گفتمانی و غیر گفتمانی یا بی معنی است (حقیقت، ۱۳۸۵: ۴۵۶). اما لاکلائو و موفه پسا ساختارگرا هستند. آنها این عقیده دریدا را می‌پذیرند که ساختار زبانی که سوسور توصیف می‌کند ثابت نیست بلکه نسبتاً غیر متمرکز و غیر ثابت و به طور مداوم در تغییر است. دغدغه اصلی طراحان این نظریه آن است که بدانند مردم جوامع مختلف چه تلقی از خود دارند و این تلقی چگونه بر نحوه عملکرد اجتماعی آنها اثر می‌گذارد؟ چرا که گفتمان‌ها به واقعیت معنا می‌دهند و جهان اجتماعی در نتیجه همین فرایند معنابخشی برساخته می‌شود و تغییر می‌کند. تغییر در گفتمان‌ها موجب تغییر در جهان اجتماعی است (ووداک، ۱۹۹۶). گفتمان لاکلائو بسط نظریه گفتمان فوکو است که در آن به جای حکم از نشانه‌ها سخن گفته شده است (کسرای، ۱۳۸۹: ۳۴۱). در اینجا تمام قلمرو اجتماعی گفتمانی است و اساس تمایز زیربنا و روبنا فرومی‌ریزد. مهم‌ترین کارکرد نظریه گفتمان لاکلائو و موفه را باید در حوزه جامعه و سیاست به‌ویژه در مفهوم‌پردازی قدرت دید (مقدمی، ۱۳۸۰). در نظریه لاکلائو و موفه عدم قطعیت معنا همان چیزی است که سیاست را هم ممکن و هم ضروری می‌سازد. سیاست عبارت است از نزاع معناهایی که در طرح‌های سیاسی قبلی نسبتاً ثابت بوده‌اند، و به کارگیری مجددشان در زندانی معانی جدید، تلاش برای

³ Allthusser

⁴ Craib

⁵ Objets

ترغیب دیگران برای پذیرش اعتبارشان و تثبیت کردن آنها در معانی نسبتاً قطعی که اینها در آن به بخشی از "دستور زبان" زندگی روزمره تبدیل می شوند. به علاوه اگرچه گفتمان در هریک از موارد بالا به طور قطعی نمی تواند تثبیت شود، اما موفقیتش به پذیرش اعتبار این معناها بستگی دارد. از نظر آنها قدرت عبارت است از قدرت تعریف کردن و تحمیل این تعریف در برابر هر آنچه آن را نفی می کند و ترسیم مجدد مرزها، محدوده، وظایف و توانایی های دولت را می توان تنها نمونه ای از سیاست به این مفهوم تلقی کرد (لاکلاو و موفه، ۱۹۸۵).

۳- روش تحقیق

در تشریح و توجیه اینکه انتخاب دو شیوه تحلیل متفاوت (شیوه تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه- و شیوه تحلیل گفتمان فرکلاف) که تلفیق برخی عناصر آنها بر مبنای ضرورتی بوده، می توان گفت با توجه به موضوع پژوهش که موضوعی کلان در حوزه فرهنگی-اجتماعی است، از آنجا که هر دو شیوه یاد شده برای تحلیل پدیده های کلان مناسب می باشند، پژوهشگر در صدد بر آمد در پژوهش حاضر هر دو شیوه تحلیل را مد نظر قرار دهد.

تحلیل گفتمان فرکلاف در سه سطح انجام می شود: ۱- توصیف^۶، ۲- تفسیر^۷، ۳- تبیین^۸ (یورگنسن و فیلیس، ۱۳۸۹: ۱۱۸).

- توصیف: مرحله ای است که به ویژگی های صوری متن با توجه به جنبه مورد بررسی (مضامین، روابط، فاعلان) پرداخته می شود.

- تفسیر: در سطح تفسیر و توضیح روابط موجود در بین فرایندهایی که باعث تولید و درک گفتمان مورد نظر می شود و تأثیر انتخابهایی که در پیکره ی گفتمان اعمال می شود (از

^۶ Expression

^۷ Interpretation

^۸ Articulation

لحاظ واژگان، ساخت و غیره) مورد بررسی قرار می‌گیرد. تفسیرها ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است (جعفری، زهرا، ۱۳۸۹).

- تبیین: رابطه میان متن و ساختارهای اجتماعی به مثابه رابطه‌ی دوسویه، یعنی هم‌نشان دهنده ساختار شدن گفتمان توسط ساختارهای اجتماعی و هم بازتولید ساختارها از خلال گفتمان‌ها (اباذری و میلانی، ۱۳۸۹: ۸۹).

۳-۱- عملی‌سازی نظریه لاکلاو موفه در تحقیق حاضر

برای کاربرد الگوی تحلیل گفتمانی لاکلاو و موفه در مباحث سیاسی-اجتماعی باید بر محورهای زیر تمرکز و تاکید شود.

الف) شناسایی فضای تخصصی (ب) عوامل بحران و بی‌قراری در گفتمان‌ها (ج) فضای مجازی و آرمان مطلوب گفتمان نو ظهور، (د) زمینه‌های ظهور و تفوق گفتمان، (م) نقش سوژگی سیاسی و رهبران، (و) دال مرکزی، مفصل بندی و چگونگی هم‌نشینی نشانه‌ها در گفتمان.

در این پژوهش این محورها به صورت ترتیبی و فرایندی در نظر گرفته شده است. نخستین قدم، شناسایی فضای تخصصی و غیریت‌سازی میان نیروهای سیاسی مختلف موجود در جامعه است. در هر جامعه‌ای، معمولاً یکی از گفتمان‌ها خصلتی هژمونیک می‌یابد و گفتمان‌های دیگر را سرکوب می‌کند و یا در حاشیه قرار می‌دهد و از این طریق غیریت‌سازی به تثبیت موقت مرز خود با سایر گفتمان‌ها غیر می‌پردازند (لک، ۱۳۸۶: ۵۵۵). اما غیریت‌سازی همواره تداوم ندارند و از طریق مداخله و غلبه هژمونیک محو می‌شوند. مداخله هژمونیک، مفصل بندی‌ای است که وضعیتی غیر مبهم را به کمک زور بازسازی می‌کند. از سویی فرایند رسوب و تثبیت گفتمان‌ها با امکان احیاء و فعال‌سازی مجدد گفتمان‌های نوظهور یا گفتمان‌های نوظهور یا طرد شده‌ی پیشین روبه‌روست (اسمارت، ۱۳۸۹). به این ترتیب بحران و بی‌قراری یا از جا شدگی وضعیت حاصل از رشد خصومت و ظهور غیریت بوده و امکان ظهور

سوژه‌ها و مفصل بندی‌های جدید را می دهد. در این عرصه بحران و واگرایی و ساخت زدایی، گفتمان ها در رقابت با یکدیگر و برای پاسخ مناسب به بحران ها آرمانها، تصاویر و اسطوره هایی از وضع مطلوب و نجات بخش ارائه می دهند و تلاش دارند از راه مفصل بندی های جدید و یا بازسازی دال‌های متزلزل، گفتمان های تازه‌ای را عینیت ببخشند. از این نظر، برای بازنمایی و تبیین یک فضای اجتماعی جدید، به ایجاد فضایی نیاز است که در آغاز وجهی استعاری و اسطوره ای دارد که توسط سوژه ها ساخته می شود و به عنوان جایگزین و شکل منطقی گفتمان ساختاری مسلط مطرح می شود و نقد گفتمان جدید است (هوارث، ۱۳۷۸) در چنین شرایطی پیروزی و عینیت یابی یک گفتمان جدید، مستلزم دو شرط لازم برای مسلط شدن است. شرط نخست قابلیت دسترسی است، زیرا گفتمان جدید، تنها ساخت منسجم در دنیای کاملاً آشفته گفتمان های بی قرار به نظر می رسد جایگزین مناسبی برای بحران و بی نظمی عمومی تلقی میشود و به دلیل در دسترس بودن، می تواند دال‌های شناور و فاقد معنای مشخص و مبهم را معنا بخشیده و با جذب آنها، این دال‌ها را در دسترس عاملان اجتماعی قرار دهد. شرط دوم قابلیت اعتبار است. یعنی اصول پیشنهادی گفتمان نباید با اصول اساسی آن گروه اجتماعی ناسازگار باشد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۹: ۳۹).

در نظریه و تحلیل گفتمانی لاکلاو و موفه، گفتمان های مسلط دارای یک دال مرکزی بوده و دال ها و نشانه ها در شاکله ای به نام مفصل بندی، واجد ساختار و هویت شده اند. در این شرایط، رابطه‌ی از پیش تعیین شده و مشخص میان دال‌ها و مدلول‌ها وجود ندارد و دال‌ها یا نشانه‌ها دارای خصلتی شناور و سیال هستند (حقیقت، ۱۳۸۵).

دال‌ها یا نقاط مرکزی نیز دال‌های شناور به حساب می آیند با این تفاوت که نقطه یا دال مرکزی به حالتی اشاره دارد که معنای نشانه به طور موقت به حالت «انسداد یا توقف» در آمده باشد. نشانه‌ها پیش از جذب شدن در مفصل بندی و نظام گفتمانی، یک عنصر هستند. هر دال یا نشانه ای که وارد این شبکه می شود و در آنجا به واسطه عمل مفصل بندی با نشانه‌های دیگر جوش بخورد، به یک "دقیقه" - "وقته" یا "لحظه" - تبدیل می‌شود (تاجیک، ۱۳۷۷: ۹).

دال‌هایی که در بیرون از محیط گفتمانی قرار دارند و می‌توانند به‌عنوان مواد خامی برای مفصل‌بندی‌های جدید به کار روند در حوزه گفتمان‌گونگی قرار دارند. لاکلاو و موفه معانی احتمالی نشانه‌ها را که از گفتمان طرد شده‌اند در حوزه گفتمان‌گونگی قرار می‌دهند. (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۲). دال‌ها و نشانه‌های جذب شده در یک گفتمان، یک مفصل بندی را به وجود می‌آورند که در تحلیل گفتمانی لاکلاو و موفه این مفهوم بسیار اهمیت دارد. مفصل بندی به گردآوری عناصر مختلف و ترکیب آنها در هویتی نو می‌پردازد و میان عناصر پراکنده در درون یک گفتمان ارتباط برقرار می‌کند، به نحوی که هویت این عناصر، اصلاح و تعدیل می‌شود (سلطانی، ۱۳۸۳:۱۸۱).

مفصل بندی دال‌های اصلی با یکدیگر، در "زنجیره هم‌ارزی" ترکیب می‌شوند. این دال‌ها نشانه‌هایی بی‌محتوا هستند یعنی به خودی خود بی‌معنایند تا اینکه از طریق زنجیره هم‌ارزی با سایر نشانه‌هایی که آنها را از معنا پر می‌کنند، وارد فرایند هم‌نشینی و ترکیب می‌شوند و در مقابل هویت‌های منفی دیگری قرار می‌گیرند که به نظر می‌رسد تهدید کننده آنها باشند. گفتمان‌ها از راه زنجیره هم‌ارزی، تفاوت‌ها را می‌پوشانند (اخوان‌کاظمی، ۱۳۸۹).

نکته اساسی و محوری در مفصل بندی یک گفتمان، دال مرکزی است. هر گفتمانی ایده‌ها و مفاهیم خود را از راه استخدام دال‌ها و نشانه‌هایی خاص انجام می‌دهد. این نشانه‌ها، حول یک نقطه یا دال مرکزی به طور موقتی تثبیت می‌شود. نقطه مرکزی، شانه یا دال برجسته و ممتازی است که نشانه‌های دیگر در سایه آن نظم پیدا می‌کنند و به هم مفصل بندی می‌شوند. می‌توان چنین استنتاج کرد که در تحلیل و نظریه گفتمانی لاکلاو و موفه، گفتمان‌ها؛ اجتماع را به مثابه یک متن تصویر و تحلیل می‌کنند و ناظر بر نوعی پیکر بندی معنادار اجتماعی قدرت هستند (لک، ۱۳۸۶:۵۳۶).

این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش مبنایی است که مفهوم جامعه مدنی، چگونه در مطبوعات بازنمایی دارد و در نهایت به این موضوع می پردازد که چه عوامل ساختاری، اجتماعی و زمینه ای موجب غلبه و فراگیری گفتمان های موجود در مطبوعات ایران شده است.

۳-۲- جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش سرمقاله ها و صفحات اندیشه تمام شماره های منتشر شده ی روزنامه های شرق، اعتماد، آفتاب یزد، کیهان، رسالت ایران از ابتدای سال ۱۳۸۸ تا پایان اسفند ماه ۱۳۹۳ می باشد. روزنامه های شرق، اعتماد و آفتاب یزد به دلیل انتساب به اصلاح طلبان و روزنامه های کیهان، رسالت و ایران به دلیل انتشار افکار و اندیشه های طیف اصول گرایان برای این بررسی انتخاب شده اند. دلیل انتخاب این دوره زمانی اهمیت و برجسته بودن مباحث مربوط به جامعه مدنی در سخنان تحلیل گران و مسئولان کشور به خصوص بعد از انتخابات ۱۳۸۸ می باشد. همچنین با توجه به اظهار نظر نظریه پردازان دولت اصلاحات مبنی بر این که شکست دولت اصلاحات به این دلیل بوده که نتوانستند نهاد های جامعه مدنی را مستقر و نهادمند کنند. این پژوهش قصد دارد چگونگی حل این مسئله در اظهار نظران مسولان دروه مذکور شناسایی کند. و نکته دیگر این است که در این دو دوره جناح های اصول گرا و میانه رو های متمایل به اصلاح طلبی به ترتیب قدرت را در اختیار داشته اند و چرخش های احتمالی در دیدگاه ها نسبت به جامعه مدنی در قبل و بعد از رسیدن به قدرت و یا تدقیق و تثبیت دیدگاه های قبلی را به خوبی می توان در سرمقاله ها و صفحات اندیشه منتشر شده در این دو مقطع زمانی دید.

روزنامه ایران تنها روزنامه ای بود که در طول این دوره شش ساله دچار تغییراتی در خط مشی و تفکر حاکم بر نحوه اداره خود شد. این روزنامه بعد از توقیف (از سال ۸۴) طی سالهای ۸۸ تا اوایل سال ۹۲ جزء روزنامه های اصولگرا محسوب می شد ولی به مرور از اوایل سال ۹۲ به صف روزنامه های متمایل به طیف اصلاح طلبان پیوست. اما در جریان نمونه گیری، سرمقاله

ها و صفحات اندیشه حاوی دیدگاه‌های مرتبط با مفهوم جامعه مدنی که در اکثر موارد از دوره چهار ساله اول به دست آمدند در طیف روزنامه‌های اصول گرا بوده است.

۳-۳- نمونه مورد بررسی

نمونه‌ها در این تحقیق با استفاده از نمونه‌گیری نظری انتخاب شده است. روزنامه‌های شرق، اعتماد، آفتاب یزد، ایران، رسالت و کیهان از میان مجموعه روزنامه‌ها انتخاب شدند. ابتدا تمام سرمقاله‌ها و صفحات اندیشه به صورت اجمالی بررسی شدند و در نهایت از میان این تعداد، سرمقاله‌هایی را که بیشترین قرابت و نزدیکی را با مفهوم جامعه مدنی داشتند، برای تحلیل نهایی برگزید. در واقع در انتخاب نهایی سرمقاله‌ها و صفحات اندیشه، متون از دو جنبه مورد بررسی و اهمیت‌یابی قرار گرفتند:

الف) مؤلفه درون‌متنی^۹: در وهله اول هر کدام از سرمقاله‌ها و صفحات اندیشه‌ای که از لحاظ مضمونی و مفهومی بیشترین بار مولفه‌ای مفهوم جامعه مدنی را در متن خود داشتند مورد تاکید و حائز اهمیت شدند.

ب) زنجیره بین‌المتونی^{۱۰}: بافت یا ساختی بینامتنی که طی آن مجموعه متون طی فرایند ترکیب و تلفیق در کنار هم دیگرقرار می‌گیرند، و از ترکیب این متون یک کلیت ساخت یافته از مفهوم جامعه مدنی به دست می‌آید (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹). بنابراین در مرحله‌ی دوم سرمقاله‌ها می‌بایست در درون یک ساخت کلی متنی حامل جایگاه مضمونی و معنایی مشخصی می‌بودند.

^۹ Peritextly

^{۱۰} Intertextual Chain

با لحاظ این نکات در طیف اصلاح طلبان ۱۲ متن از روزنامه شرق، ۱۷ متن از روزنامه اعتماد، ۱۳ متن از روزنامه آفتاب یزد و در طیف اصول گرایان ۱۵ متن از روزنامه ایران، ۱۳ متن از روزنامه رسالت و ۱۷ متن از روزنامه کیهان انتخاب شده اند.

۴- یافته های پژوهش

۴-۱- تحلیل روزنامه های اصلاح طلب

ساختار موضوعی واژگان: قوانین اساسی، دولت قانون مدار، دولت غیر رانتیر، دولت دموکراتیک، دولت شهروندی، حکومت مند شدن دولت، رسانه های مستقل، نهادهای مدنی خرد محور و توسعه گرا، کشمکش های اجتماعی قانون مدار و قانون ساز، اپوزیسیون تاثیر گذار، انتقال آرام قدرت، نیل به دموکراسی، اعتماد مردم، کنش های مدنی خیرخواه، عدم اقتدارگرایی فرهنگی دولت، طبقه متوسط پویا، دولت مسئول مقابل قانون، جنبش های مدنی مروج ارزش های انسانی، حوزه غیر اقتصادی و سیاسی، جامعه مدرن، جامعه متوازن توسعه یافته، جامعه مدنی مستقل از دولت، جامعه مدنی خردگرا، حوزه عمومی آگاهی گرا، جامعه متکثر، مطالبات مدنی دگر خواهانه.

واسازی یا ساختار شکنی دال های سیال

مفهوم دولت: در روزنامه های اصلاح طلبان دولتی که متناسب با جامعه مدنی است در وهله اول در طی فرایند غیریت دو گانه از دولت تمامیت خواه اقتدار گرا و خلافت اسلامی جدا شده و مرزبندی معنایی می یابد. به این ترتیب این دولت در مرحله اول از خصلت های اقتدارگرایی و خلیفه گرایی خارج می شود. این دولت با خصلت های خاصی هم عرض و هم نشین شده است. دولت متناسب با جامعه مدنی در درجه اول دولتی است که بر پایه ی قانون ایجاد شده و بر پایه ی قانون نیز رفتار می کند.

مفهوم شهروندی در تناسب با مفهوم دولت، عنصر شهروندی ابتدا از مفاهیم فرد توده ای و رعیت غیریت یافته و جدا می شود و از نو در طی فرایند هم ارزی به معناسازی و بازنمایی آن درون گفتمان اصلاح طلبی هویت جدیدی می یابد. شهروند متناسب با جامعه مدنی، فردی است که از حقوق شهروندی خود آگاه است و زندگی اجتماعی خود را بر اساس آگاهی از چنین حقوقی تعریف و عملی می کند. در گفتمان اصلاح طلبی جامعه مدنی، شهروند تلقی شدن افراد هیچ پیش شرطی نداشته و به صرف انسان بودن صاحب چنین حقی می شود. مفهوم نهادهای مدرن. این مفهوم به طور مضاعف به التزام الگوهای کنش جمعی بر مبنای همکاری اختیاری و خرد که در تقابل با سرسپردگی و نفوذ کارزمایی قرار دارد، مفصل بندی و معرفی می شود. در طی فرایند غیریت سازی و ویژگیهای نهادهای مدنی در گفتمان اصلاح طلبی از خصلت های توده ای و دست پرورده بودن دولت اقتدار گرا خارج می شوند و با خصلت هایی چون، مدرن بودن، خردگرایی و اهداف خیر خواهانه آنها هویت جدیدی می یابند. این نهادها در جامعه مدرن و تحت حفاظت قانونی که دولت هم از آن پاسداری می کند جایگاه سوژگی کنشگران را شکل می دهند. این نهادهای مدرن با انجمن های سنتی ایرانی متفاوت می باشد.

مفهوم جنبش های اجتماعی در گفتمان اصلاح طلبی هم ظرف شکل گیری گفتمانی و گفت و گویی اسطوره های امید بخش و شیوه عملی کردن مداخلات هژمونیک فردیت های سیاسی تلقی می شود. این دال سیال به منزله لحظه ی عینیت یافتگی جامعه مدنی پویا خود را نشان می دهد. با نگاه به زنجیره بین المتونی می توانیم درک کنیم که جنبش های اجتماعی کاملاً متفاوت با حرکات و هیجانات مردمی قرنهای گذشته می باشد. این جنبش های اجتماعی در وهله اول در یک جامعه مدرن شکل می گیرند. جامعه ای که بستر شکل گیری جنبش های اجتماعی است باید وجوه مهمی از مدرنیته، حقوق شهروندی و اصول دموکراتیک را داشته باشد.

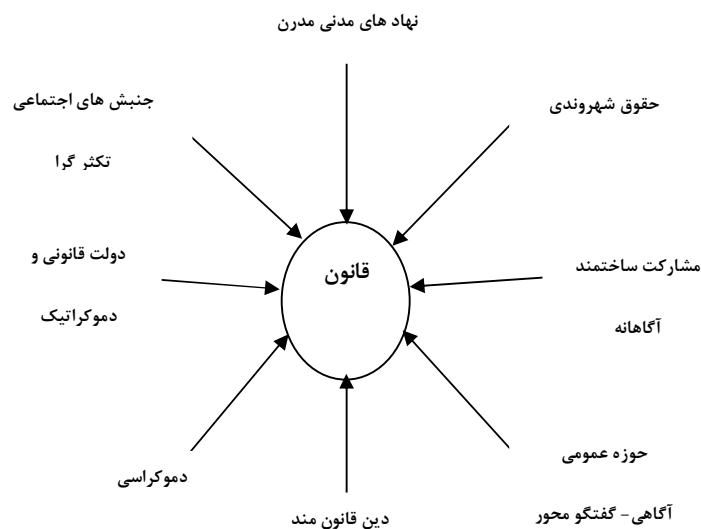
مفهوم دموکراسی فرایند دوگانه غیریت سازی و اسطوره سازی را هم زمان تجربه می کند. یعنی در وهله اول دموکراسی بگونه ای سلبی تعریف شده و خصلت های توده ای بودن و نوچه ای بودن خالی می شود. و در وهله دوم به مثابه فضایی استعاری و اسطوره ای رهنمون چشم انداز های اجتماعی با امکانات خلق و شکل گیری دیالکتیکی فردیت و جایگاه سوژگی تعریف می شود. دموکراسی هم فرصت شکل گیری جامعه مدنی و هم هدف نهایی ظهور تاریخی جامعه مدنی را تشکیل می دهد. گفتمان اصلاحات با کاربرد مکانیسم اسطوره سازی، دموکراسی را با اصل محوری آزادی و قانون هم طراز قرار می دهد. قانونی که در درجه ی اول نه با دولت اقتدار گرا، بلکه در مرحله اول با بحث ها، کشمکش های گروه های بدنه جامعه به توافق رسیده و در نهایت برای تصویب به دولت موکول می شود.

طبق تحلیل لاکلائو و موفه مفهوم دین قانونمند را می توان به مثابه ی نوعی مداخله ای هژمونیک از درون گفتمان های دیگر، جهت غیریت سازی آن گفتمان ها دانست. به این معنی که دین که از عناصر اصلی گفتمان های سنتی و محافظه کار تاریخی ایران بوده، توسط گفتمان اصلاح طلبی اخذ شده و طی مداخلات معناشناختی و قرار دادن آن در کنار دال های دیگری قانون، شهروندی، دولت قانون مدار و ... بار معنایی متفاوتی به خود می گیرد. در گفتمان اصلاح طلبان دین فضای اسطوره ای است که در درجه اول با قانونمند و قانون ساز بودن تعریف می شود. مدینه النبی پیامبر در گفتمان اصلاح طلبان لحظه عینیت یافتگی دین پیامبر است. خصلت قانون مند بودن دین باعث می شود نگاه ایدئولوژیک به آن در گفتمان اصلاح طلبان طرد شود. دین با قوانینی شناخته می شود که حقوق شهروندان را رعایت می کند و با مدرنیته و فرایند دموکراسی هیچ گونه تناقض ندارد.

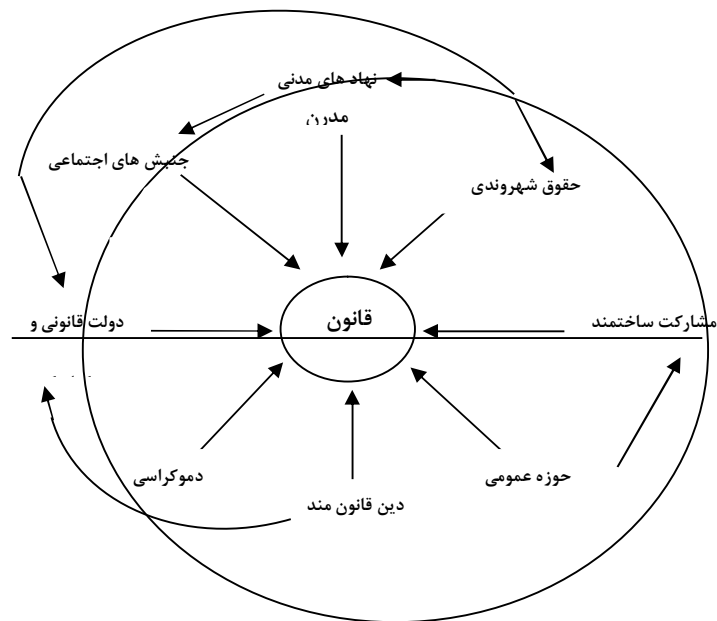
مفهوم حوزه عمومی بر خلاف مفهوم دین، یک نوع مداخله هژمونیک خارجی تلقی می شود. به این معنا که عنصر حوزه عمومی از گفتمان های سکولار غربی اخذ شده و طی فرایند غیریت سازی و تفاوت خصلت های سکولاریستی آن کم رنگ شده و در قالب جدیدی در گفتمان اصلاح طلبی به کار می رود. در گفتمان اصلاح طلبی حوزه عمومی فضایی است که بر

خلاف حوزه اقتصاد و سیاست زیست آگاهی است. تنوع افکار و عقاید هم علت و هم محصول زیست در چنین حوزه ای است. این حوزه که نتیجه قبول تکثر عقاید و تسامح معرفتی هم از طرف دولت و هم از طرف شهروندان می باشد در ساخت دهی به افکار و جهت گیری های اجتماعی- سیاسی شهروندان می پردازد.

در نهایت این مفهوم "قانون" که در گفتمان اصلاح طلبان به عنوان دال مرکزی مفهوم جامعه مدنی مورد استفاده قرار می گیرد. قانون جایگاه سوژگی تمامی کنشگران اجتماعی را تثبیت و برای کنش هایشان ظرفیت های اجرایی قرار می دهد. دال شناور قانون در گفتمان اصلاح طلبان پیوندی ناگسستنی با جامعه مدنی و جامعه دموکراتیک دارد. قانون در دو مرحله یا لحظه تاریخی با جامعه آزاد مرتبط می شود: در مرحله پیشینی، شکل گیری و حضور دولت دموکراتیک نیازمند قوانینی است که شرایط و مولفه های زیربنایی دولت دموکراتیک را ایجاد کند. قانون در گفتمان مطبوعات اصلاح طلب نه نقطه شروع و اقتدار دولت بلکه نقطه نهایی آن است. یعنی طی گفت و گو، بحث و کشمکش های نیروهای اجتماعی موجود در جامعه مدنی است که توافقی در خصوص ماهیت و کیفیات قوانین صورت می گیرد و در نهایت با تصویب دولت به رسمیت می افتد. قوانین در درجه ی اول باید پشتیبان تکثر و تنوع عقاید باشند. در گفتمان اصلاح طلب امتیاز انکارناپذیر حکومت پیامبر در مدینه، در درجه ی اول به دلیل قانونمند بودن آن است.



شکل ۱: مدل گفتمانی روزنامه‌های اصلاح طلب در خصوص جامعه مدنی



شکل ۲: مدل چند وجهی گفتمان روزنامه‌های اصلاح طلب در خصوص جامعه مدنی

۴-۲- مفهوم جامعه مدنی در گفتمان روزنامه‌های اصول گرا

ساختار موضوعی واژگان: جامعه دینی، شهر اسلامی، خدا محوری، شبکه‌های مؤلف شهروندی اسلامی، جامعه مدنی دینی، احزاب اسلامی، مدنیت دینی، جامعه مدنی سازگار با دین، شهر نبوی، جامعه ارزش محور، نظام سیاسی ولایی، برابری و برادری امت، جنبش‌های اجتماعی دینی، خیر عمومی، عدم استبداد فردی، گروهی و قومی و...، جامعه مدنی بین‌المللی اسلامی، استقلال از دولت، بیعت، امت بیدار اسلامی، استقلال طلبی و بیگانه ستیزی، مردم سالاری عدالت محور علوی، دولت اسلامی، حقوق شهروندی، نهاد های مدنی سنتی و دینی،

امت بین‌المللی اسلامی با محوریت خدا، امت یکپارچه اسلامی، گفتمان اصیل انقلاب اسلامی، مشروعیت دینی، حکومت مشروع مأذون از جانب خدا، نصب عام حاکمیت دینی، آزادی فردی، آزادی تاریخی.

واسازی یا ساختار شکنی دال‌های سیال

مفهوم دولت دینی در گفتمان روزنامه‌های اصول‌گرا مداخله‌هژمونیک را از بیرون وارد می‌کند. به این گونه که مفهوم دولت به مثابه ساختار تنظیم‌کننده امور جامعه مدنی بورژوازی خودبنیاد اخذ شده و سپس با خالی کردن عناصر سکولار و خودمختاری اجتماعی-اقتصادی کنشگران آن، این عنصر را همنشین مدینه و شهر حکیمانه قرار می‌دهند. فرایند غیریت‌سازی در درون این مفهوم هر نوع انعطاف ساختار تنظیم‌کننده جامعه را در قبال مسئولیت دینی یا خودبنیاد بودن حوزه اجتماعی رد کرده و به غیر تبدیل می‌کند. با توجه به ماهیت دینی داشتن جامعه مفهوم دولت به عنوان مهمترین نهادسیاسی کشور اسلامی سیاست و دین را با هم پیوند داده و تحت همین وظیفه است که به ایجاد جامعه مدنی بر اساس الگوی حکومت پیامبر در مدینه اقدام می‌کند. جامعه مدنی دینی پلی ارتباطی میان شهروندان، دولت اسلامی با نظارت ولی فقیه.

مفهوم شهروندی در درجه اول با شهر یا مدینه دوران اوایل اسلام هم‌نشین می‌شود. در این گفتمان فردیت‌های سیاسی و کنشگران در چارچوب شهر به مثابه مدینه دینی قرار گرفته‌اند و بنابراین فرایند غیریت‌سازی بگونه‌های انجام گرفته از اختلاط معنایی این عنصر از معنای سکولار و لیبرال غربی خارج شود. مجموعه انسان‌های دین‌داری که در جایگاه‌های سوژگی‌ای قرار می‌گیرند که مشخصه آن‌ها در وهله اول ارادت و احترام به قواعد دینی حاکم و حکومت الهی است. این فرد دارای جهانبینی دینی و ارزش‌های اسلامی است.

مفهوم نهادهای مدنی در گفتمان اصول گرا خصلتی التقاطی دارد، بگونه ای که به لحاظ ابزاری در استفاده از امکانات ارتباطی و شبکه یابی با استفاده از ابزارهای ارتباطی مدرن کاملاً الگوی کنش جمعی مدرن را به کار می گیرد، با این همه این فضای کنش جمعی با خصلت های کیفی انجمن گرایی سنتی (فضای الگویی کنش های دینی-اجتماعی مانند مساجد) همراه و هویت خاصی می گیرد. در گفتمان محافظه کار این مفهوم در وهله اول به دو قسمت انجمن های مدنی سنتی (نظیر بازار، حوزه، مساجد و...) و نهادهای مدرن (نظیر دانشگاه) تقسیم می شود. تاکید گفتمان محافظه کار روی انجمن های سنتی پررنگ تر بوده است.

جنبش های دینی در گفتمان روزنامه های اصول گرا همانند مکانیسم مفصل بندی جریان اصلاح طلبی به مثابه جایگاه سوژگی و آینده نگری معنا می یابد. با این تفاوت که خصلت مدنی به دینی تبدیل می شود. جنبش های دینی در یک رابطه عمودی میان آرمانهای دینی و دولت اسلامی به فردیت های سیاسی فضای تصمیم گیری می دهد. به زبان دیگر جایگاه سوژگی تعریف شده در گفتمان اصلاح طلبی با خصلت های نگاه به گذشته روشن و تشکیل و بازسازی امت واحد دینی در چشم اندازی از آینده مفصل بندی شده و به عنوان دال تثبیت می شود. جنبش های صورت گرفته در کشورهای منطقه را هم می توان به عنوان تلاش در جهت ساخت امت واحد اسلامی معنا کرد.

مفهوم مردم سالاری دینی در سال های اخیر گاهی اوقات تحت عنوان دین سالاری مردمی نیز باز تعریف شده است. در هر دو حالت اولین خصلتی که از این مفهوم طرد می شود، ساختار های کنش جمعی و فردی سکولار مشروعیت دهنده به این نوع نظام سیاسی می باشد. این مفهوم با طرد و استفاده نکردن از مفهوم دموکراسی در قالب لاتینی و مدرن آن، بگونه ای آشکار سعی در مرزبندی واژگانی و معناشناختی این عنصر داشته است. برخلاف دموکراسی غربی که شهر به معنای فلسفی، غیر معنوی و بی خدایی ریشه ی تاریخی آن است. در مردم سالاری دینی با ریشه شهر حکیمانه و نبوی سر و کار داریم. میان مردم و حکومت دینی

مناسبات و روابط حقوقی- قانونی برقرار است ولی این به معنای مقبولیت اکثریت‌گرایی نیست بلکه شریعت و وظیفه تصویب و پالایش نگاه مردم را دارد.

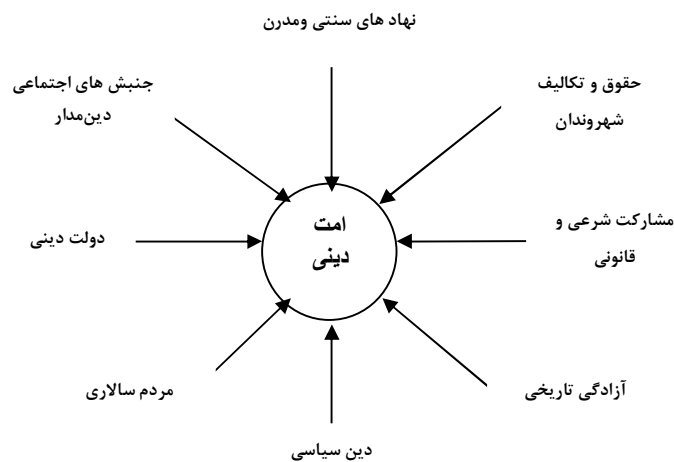
مفهوم آزادی بگونه‌ای مضاعف و البته هم‌زمان از طریق فرایند های طرد، مداخله هژمونیک و برجسته‌سازی اسطوره‌ای وارد مفصل‌بندی‌گفتمان اصول‌گرا می‌شود. به این معنا که آزادی در معنای لیبرال و فرد محور آن طرد شده و سپس آن را در بستر آزادی ملی و مهمتر از آن در ظرف فضای اسطوره‌ای آزادی تاریخی که عینیت‌یافتگی اش را می‌توان در جایگاه سوژگی ولایت فقیه مشاهده کرد، معنا می‌یابد. آزادی که در روزنامه‌های محافظه‌کار به عنوان آزادی یاد می‌شود در سه حوزه فردی، ملی و تاریخی مطرح است. آنچه در زمینه جامعه مدنی دینی مطرح شده اهمیت دارد، این نکته است که آزادی فردی و ملی و تاریخی در طول همدیگر قرار گرفته و بر اساس اهمیت داشتن درجه بندی شده‌اند. آزادی فردی با قرار گرفتن در ذیل آزادی ملی محدودیت‌هایی را باید پذیرا باشد و هر دو این آزادی‌ها در بطن آزادی تاریخی با نماد ولایت فقیه جای می‌گیرند.

مفهوم دین در گفتمان روزنامه‌های اصول‌گرا از طریق مکانیسم مداخله هژمونیک درونی از عناصر گفتمان‌های رقیب فضای سیاسی کشور خالی می‌شود. به این معنا که گفتمان اصول‌گرا را نه مقید به قانون و نه مقید به حوزه تصمیم‌گیری فردی می‌کند. بلکه با الگو برداری از مدینه‌النبی آن را به مثابه زنجیره و شاکله‌ای که تمام لحظات جامعه از دولت تا نهادها و افراد را پوشش می‌دهد، معنا می‌کند. دین به مثابه فضای اسطوره‌ای و استعاری از یک طرف با دستگاه دولتی و از طرف دیگر با جهان بینی افراد پیوند‌های ناگسستنی دارد و گذشته و حال و آینده را به هم پیوند می‌زند. دین اسلام در گفتمان محافظه‌کار با امر سیاست و تشکیل حکومت رابطه‌ای ذاتی دارد و خواهان عملی کردن ارزشها و قوانین خود در جامعه می‌باشد.

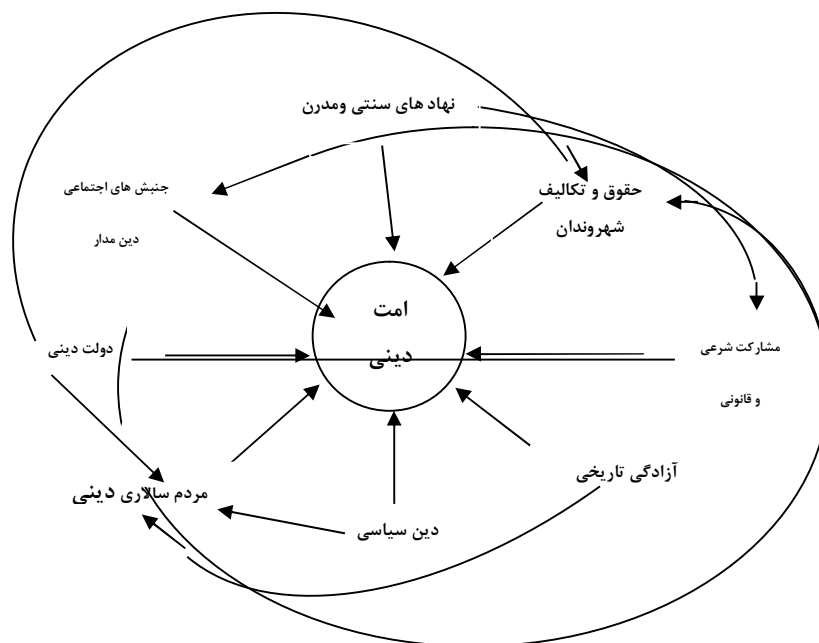
در مفهوم مشارکت شرعی و عرفی دو خصلت مشارکت و شرع که به ظاهر تناقض آمیز به نظر می‌آیند در گفتمان اصول‌گرا از تناقض خارج شده و در کنار هم می‌نشینند. مشارکت از

طرف دیگر با حق و وظیفه هم زمان می شود، و به این ترتیب خصلت اختیاری و فردی مشارکت سیاسی لیبرالی آن طرد شده و بگونه ای مضاعف به پیوند پیشینی مشارکت و امر سیاسی (به منزله دینی) تاکید می شود مشارکت اجتماعی در انجمن های جامعه مدنی دینی باید آگاهمند و در جهت پیش برد آرمان امت واحده اسلامی حرکت کند. این مشارکت تکلیف هم هست.

به این ترتیب در گفتمان روزنامه های اصول گرا مفهوم جامعه دینی (امت واحده اسلامی یا مدینه النبی) به مثابه نقطه مرکزی و دال مرکزی در مفصل بندی گفتمانی مفهوم جامعه مدنی عمل می کند. این مفهوم هم زمان بر یک نفی و اثبات مقوله ای می پردازد. به گونه ای که جامعه نه به معنای روابط ارگانیکی دولت مدرن، نهاد های اجتماعی و افراد، بلکه با الگوی شهر حکیمانه یا حکمت نبوی گره می خورد. و در مرحله اثباتی به شیوه حکومت پیامبر اسلام در دوران اولیه اسلامی گره می خورد.



شکل ۳: مدل گفتمانی روزنامه های اصول گرا در خصوص مفهوم جامعه مدنی



شکل ۴: مدل چند وجهی گفتمانی روزنامه‌های اصول‌گرا در خصوص جامعه مدنی

۴-۳- تخاصم گفتمانی دو جریان در دوره مورد تحقیق

در این لحظه فضای تخاصم میان گفتمان اصلاح طلب و محافظه کار در رابطه با نحوه‌ی بازنمایی مفهوم اسطوره‌ای جامعه مدنی شرح داده می‌شود. دو گفتمان اصلاح طلب و محافظه کار زمانی که روی ابعاد نهادی و ساختار عینی جامعه مدنی بحث می‌کنند بیشترین وجه اشتراک گفتمانی را داشته و با تسامح بیش تری و خصومت کمتری در کنار همدیگر زیست می‌کنند. اما گفتمان‌های مذکور در لحظات معنا کردن محتوای درونی این نهادها و هویت‌دهی

به سوژه ها و بنیان های معرفتی که با فضای زیست در جامعه مدنی رابطه ی تنگاتنگی دارند وارد کشمکش و تخاصم گفتمانی می شوند.

همان طور که در مدل بالا اشاره شد جامعه مدنی در گفتمان اصلاح طلب با دال مرکزی قانون و هم ارزی و ترکیب دال های سال دولت قانونمند، دین قانونمند، دموکراسی و تکثر گرایی، حقوق شهروندی ، نهادهای مدنی مدرن، حوزه عمومی خرد گرا، جنبش های اجتماعی در اطراف دال مرکزی مفصل بندی شده و ثبات معنایی می یابد. اما تغییر صورت گرفته در مدل گفتمانی روزنامه های محافظه کار به خوبی نشان دهنده ی لحظات تخاصم میان دو گفتمان می باشد. دولت در نظر گفتمان محافظه کار نه صرفاً یک نهاد اجتماعی که با قانونمند رفتار کردن به ظهور جامعه مدنی رهنمون می شود. بلکه دولت بزرگترین قدرت مشروع کشور است که رسالت اصلی آن تلفیق سیاست و دین با یکدیگر برای عملی کردن آموزه های دین اسلام در کل جامعه از طریق مکانیزم توسعه ساختمند جامعه مدنی دینی است. این دولت هم سیاسی، هم فرهنگی و هم ایدئولوژیک است که رسالت دینی داشتن از خصوصیات ذاتی آن به حساب می آید. دال مرکزی همان طور که در مدل گفتمانی اصول گرایان مشاهده می شود جامعه ولایی(دینی) می باشد. این گفتمان دال مرکزی قانون را که از طرف گفتمان اصلاح طلبی مطرح شده است را طرد می کند، زیرا در گفتمان محافظه کار قانون در ظرف دین و عملیاتی کردن آن قابل فهم است. بنابراین صرف قانون امکان برداشت هایی غیر از برداشت دینی را موجب می شود. به این دلیل است که در گفتمان محافظه کار مفهوم جامعه دینی(ولایی) مطرح می شود و نقطه ی ارجاعشان به مدینه النبی پیامبر می باشد.

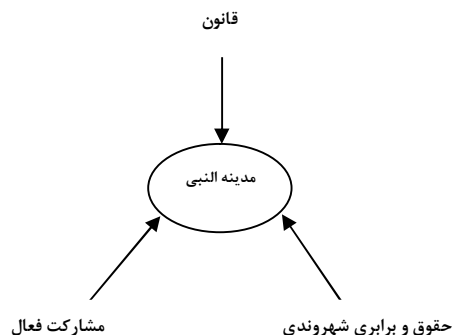
تخاصم دیگر در مفهوم مردم سالاری دینی است. به زبان نظریه گفتمان لاکلاو و موفه، مفهوم مردم سالاری دینی لحظه ای است که جایگاه سوژگی و فردیت های سیاسی در آن متبلور می شوند. با این تفاوت که مشخصات ساختاری و کیفی این سوژه ها و جایگاه آنها محل نزاع دو گفتمان قرار می گیرند. در گفتمان اصول گرایان در اکثر موارد مفهوم مردم سالاری دینی یا دین سالاری مردمی مطرح و جایگزین دموکراسی می شود. این مردم سالاری، دینی

بوده و از ذات دین گرفته شده است. در متون روزنامه‌های محافظه‌کار مفهوم دموکراسی نوعی اختلاط فرهنگی- معرفتی با غرب را نشان می‌دهد و ابعادی چون تسامح دینی، عرفی‌شدگی، اصل اکثریت و... محصول تمدنی غرب است که وارد گفتمان اصلاح‌طلبی شده است. پیه زبان تحلیل گفتمان جایگاه سوژگی در نظام مردم‌سالاری دینی از عناصر اندیشه خودبنیاد اومانیستی- که در گفتمان‌های سکولار غربی و اصلاح‌طلبی تحت عنوان حوزه عمومی خالی مطرح شده، خالی می‌شود. مردم‌سالاری دینی قائل به شرکت دادن آراء و نظرات تک‌تک شهروندان و قائل به هویت مستقل شهروندان برای انتخاب سبک زندگی و ساخت جامعه است منتها این مشارکت و انتخاب در قالبی صورت می‌گیرد که آموزه‌های اسلام مشخص کرده است. به این ترتیب حقیقت امور نه بر اساس اصل اکثریت بلکه در نتیجه کشف حقیقت از معارف دین، توسط نمایندگان مردم قابل فهم است.

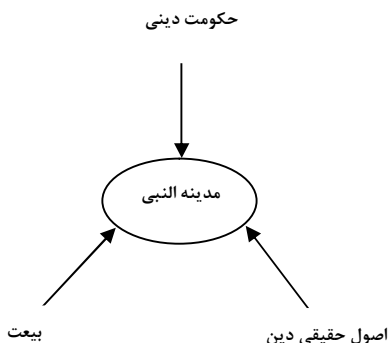
لحظه‌تخاصم دیگر در مشارکت قانونی و شرعی است. به زبان گفتمان لاکلائو و موفه مداخلات هژمونیک گفتمان اصول‌گرایی در این لحظه متوجه شیوه‌های تجربه‌فردیت‌های سیاسی و تعریف جدیدی از آن است. گفتمان اصول‌گرا با طرد الگوی مشارکت اختیاری و پلورالیسم غربی مرزبندی‌های خود را با گفتمان‌های معطوف به جریان‌های رقیب مشخص‌تر می‌کند. نطفه‌ی اولیه مشارکت را می‌توان در مفهوم بیعت در نظر گرفت. مشارکت مردم از همان آغاز در دین اسلام و مدینه‌النبی پی‌ریزی شده است. نکته مهم دیگر این است که این مشارکت در چارچوب هدایت‌های پیامبر، امامان و نمایندگان آنان صورت می‌گیرد. طبق متون روزنامه‌های محافظه‌کار در جامعه دینی این امتیاز از همان آغاز به مردم داده شده است ولی از طرف دیگر امری است شرعی و الزامی. زیرا مردم در جامعه دینی نمی‌توانند از قدرت(حکومت دینی) فاصله داشته باشند یا به زبان دیگر منفعل بودن مردم در جامعه دینی پذیرفته نیست.

شهروندان به مثابه امت آگاهی در نظر گرفته می شوند که زیر سایه دولت دینی به تشکیل انجمن های مدنی نظیر مساجد، حوزه، دانشگاه و... می پردازند.. دین مطرح شده در روزنامه های اصلاح طلبی ارتباط تنگاتنگی با قانون دارد. در یک نگاه مدینه النبی به جهت قانونی بودن و رعایت حقوق شهروندی در آن است که آن را نقطه ی عطفی در تاریخ تمدن اسلام و جهان مطرح می کند. اما در متون مربوط به محافظه کاران این نوع نگاه و تقلیل دین به قوانین زمینی یکی از نتایج ترویج سکولاریزم و پروتستانتیزم اسلامی به دلیل تشبیه نظام معرفتی دین اسلام و دین مسیحیت معرفی شده است و طرد می شود.. در روزنامه های محافظه کاران دین اسلام به هیچ وجه قابل تقلیل به قوانین نیست.. دین اسلام از همان آغاز داعیه ی حقیقت را با خود داشته و با تشکیل حکومت در مدینه توسط پیامبر ادعای برقراری حکومت سیاسی و دینی و عملی کردن آموزه های حقیقی آن در جامعه را نشان می دهد.

لحظات تخصص صورت گرفته در میان دو گفتمان محافظه کار و اصلاح طلب در تعیین ماهیت مفهومی و کارکردی -دولت، ۲- نظام سیاسی، ۳- شهروندی، ۴- مشارکت و ۵- ماهیت دین است. در یک بیان مختصر می توان گفت مفهوم مدینه النبی و معانی استخراج شده از آن امکان چنین مداخلات هژمونیک را داده است. در گفتمان اصلاح طلب مدینه النبی با قانون، حقوق برابر شهروندی و مشارکت شناخته می شود. در حالی که در گفتمان محافظه کار مدینه النبی با حکومت دینی، قوانین حقیقی اسلام و بیعت معنا شده است. مدل بندی تخصص گفتمانی دو جریان حول مفهوم مدینه النبی را می توان در زیر مشاهده کرد.



شکل ۵: مدل گفتمانی روزنامه های اصلاح طلب از مدینه النبی



شکل ۶: مدل گفتمانی روزنامه های اصول گرا از مدینه النبی

۵- بحث و نتیجه گیری

مفاهیم دولت، قانون و مشارکت شهروندان سه لحظه ای هستند که می توان از آنها به عنوان تخصصات و گره های سه گانه تحولات ساختاری و مفهومی جامعه ایرانی سخن گفت و هر سه این مفاهیم بگونه ای گسست ناپذیر با فرایند مدرنیته و مدرنیزاسیون در ارتباط هستند. گفتمان محافظه کار تعریفی که از دولت ارائه می دهد عمیقاً با دین سیاسی پیوند می خورد. این دین سیاسی از مدینه النبی نشأت می گیرد. هر چند که قانون مند بودن یکی از خصوصیات دولتی است که محافظه کاران مطرح می کنند ولی این قوانین نه به معنای غربی آن که از عقلانیت اکثریت ریشه می گیرد، بلکه قوانین دولت دینی این قوانین در درجه اول از دین الهی ناشی شده و اکثریت مردم تنها کاشف این اصول حقیقی یا قوانین بنیادی محسوب می شوند. نکته ای که نیکوس موزلیس مطرح می کند در رابطه با دولتی که اصول گرایان و اصلاح طلبان فهم می کنند، مطرح می باشد. از زمان انقلاب مشروطه تمامی دولت های شکل

گرفته در ایران رسالت توسعه جامعه را دستور کار خود داده اند بگونه ای که می توان همگی شان را دولت های توسعه محوری دانست که خواسته یا ناخوسته به دام تمرکز گرایی و اقتدار گرایی افتاده اند. در روزنامه های اصلاح طلب. این دولت است که زیر سایه قوانین، امنیت حقوقی نهادهای جامعه مدنی را باید تضمین. حال سوال این است که دولت چگونه می تواند هم جبران عقب ماندگی کند، هم با تامین امنیت حقوقی نهادهای مدنی اقدام به توسعه جامعه مدنی، مشارکت ساختمان و آگاهانه مردم نماید؟

دولت های مدرن صورت گرفته در ایران برای تسریع فرایند مدرنیزاسیون ناچار به مشارکت دادن وسیع مردم در حوزه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بودند. اما این مشارکت دهی براساس آنچه موزلیس تقسیم بندی می کند، مبتنی بر مدل مشارکت گرایی نوجه پروری و مشارکت دهی توده گرایی بود و تمامی دولت های ایرانی خواسته یا ناخواسته این دو نوع آخر مشارکت گرایی را در دستور کار خود قرار داده اند در نتیجه جامعه مدنی را از ساخت یابی و نهادمند شدن درونی جلوگیری کرده اند. دولت های ایران بنا به ضرورت تاریخی در مواقع حساس در قالب توده ای و نوجه گرایانه مردم را وارد صحنه کرده و از پتانسیل آن استفاده برده اند.

جنبه دیگر مسئله قانون است. قانونمند شدن دولت نقطه مرکزی بحث هایی است که هر دو طیف مطرح کرده اند. مفهوم قانون همان چیزی است که شهروندان، نهادهای مدنی، نظام سیاسی و دولت را با مدرنیته پیوند می دهد. اما این قوانین در جامعه ایرانی همواره با دو معنا و برداشت : شرع دین، و اکثریت مردم همراه بوده است. در روزنامه های اصلاح طلبان در اکثر موارد قانون با اصل اکثریت قابل فهم است. به این معنی که محتوای قوانینی که جامعه را بر اساس آن اداره می کنند باید از عقلانیت اکثریت پیروی کرده و موید فضای پلورال و تنوع باشد. اما در روزنامه های محافظه کار، قانون نه صرفاً چیزی انسان ساخته و تاریخی که از تمدن غرب بیرون آمده بلکه دینی و ذاتی دین است. تمامی قوانین تصویب شده نمایندگان

مردم باید با قرآن و سنت پیامبر هم خوانی داشته باشد. اکثریت تعیین کننده نهایی حقانیت قوانین نیستند بلکه کشف کننده آن می باشند

به این ترتیب تقابل سنت و مدرنیته به بحث جامعه مدنی نیز کشیده شده است هر دو طیف مفهوم جامعه مدنی را با مدینه النبی پیوند می دهند. ولی جریان اصلاح طلبان از مدینه النبی به عنوان قانون مند بودن، رعایت حقوق شهروندی و خویشتن داری مذهبی و عقیده معنا می کنند در حالی که طیف اصول گرایان از مدینه النبی به عنوان حکومت دینی ، قوانین آسمانی و رهبری پیامبر یاد می کنند. در این جا دوگانه ی شهر اسلامی و شهر غربی که نمایانگر ماهیت مشارکت اجتماعی فردیت های سیاسی است، مطرح می شود. همان گونه که ماکس وبر بیان می کند تاریخ پانصد ساله ی شهرهای غربی نشان می دهد. این شهر ها دیگر مقرر حکومت فرماندهان نیست و حول روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مردم ساکن بورگ(شهرهای جدید) صورت گرفته است. اما شهر های اسلامی بعد از صدر اسلام اکثراً مقرر حکومت سلاطین، پادشاهان و فرماندهان آنان بوده اند. طبیعی است که در چنین شرایطی مشارکت مردم هم رنگ و بوی اطاعت و تسلیم شدن داشته است و بالطبع نهاد های اجتماعی مستقلی هم شکل نمی گیرند. به این ترتیب مشارکت اجتماعی مردم متناسب با این که در شهر اسلامی زیست کنند یا در شهر غربی متفاوت است. در حالی که در روزنامه های اصلاح طلب تاکید زیادی روی شهر در معنای غربی و مشارکت مردمی همان طور که در شهر(بورگ) های دوران مدرن غربی مشاهده شد، اشاره دارند. در روزنامه های محافظه کار به صورت مستقیم یا غیر مستقیم روی شهر از نوع تمدن اسلامی تاکید شده است. این طیف تلاش های صورت گرفته در دوران مشروطه ، حکومت پهلوی و دوران اصلاحات را نوعی پی ریزی شهر در سبک غربی آن می دانند. شهر غربی در گفتمان روزنامه های محافظه کار شهری خالی از معنویت و گریزان از دین سیاسی مطرح می شود که روی مناسبات اقتصادی و اجتماعی سودجویانه پی ریزی شده است روزنامه های محافظه کار از اختلاط فرهنگی جلوگیری کرده و سعی دارد هم ساخت ، هم معنای عناصر تشکیل دهنده و هم اهداف شکل گیری جامعه مدنی

را درون تمدنی و اسلامی نشان دهد. اما روزنامه های اصلاح طلب بر پیوند، داد و ستد فرهنگی و استفاده از دستاوردهای تمدن غربی مشکلی ندارد.

نکته‌ی دیگر که باید گفت مربوط به مفاهیم بر سازنده ای است که هر دو طیف تلاش کرده اند از طریق آنها به بازنمایی جامعه مدنی بپردازند. درحالی که روزنامه های اصلاح طلب جزء در حوزه سکولاریزم دینی تمام تلاش خود را کرده اند که علی رغم حفظ واژه های تاریخی- معرفتی جامعه دینی، به اخذ واژگان مدرن غربی بپردازند، روزنامه های اصول گرا تمام تلاش خود را به کار می برند تا از چنین اختلاط واژگانی جلوگیری کنند. کاربرد واژگانی چون امت و امامت، اجتماع، انجمن، مردم سالاری، بیعت در گفتمان محافظه کار، در تقابل با کاربرد واژگانی چون دولت، جامعه، کشور، پلورال، نهادهای مدنی، دموکراسی، مشارکت در گفتمان اصلاح طلبی است. مفاهیم و واژگان از لوازم ضروری برای تفکر در خصوص واقعیات اجتماعی است. دموکراسی و مردم سالاری دینی هر چند هر دو بر حضور مردم در صحنه ی تصمیمات مهم جامعه اشاره دارند اما این حضور متناسب با این که بر اساس چه پارادایم واژگانی-معرفتی بازنمایی شود متفاوت خواهد بود.

منابع

- اباذری، میلانی. (۱۳۸۴). بازنمایی غرب در نشریات. *نامه علوم اجتماعی*، ۲۶، ۱۲۲-۹۷.
- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۸۹). *نقد و ارزیابی گفتمان های اجتماعی و سیاسی مطرح در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- اسمارت، بری. (۱۳۸۹). *شرایط مدرن و مناقشه های پست مدرن*، ترجمه حسن چاوشیان. تهران: کتاب آمه.
- انصاری، منصور. (۱۳۷۹). *هانا آرنست و فلسفه سیاسی*. تهران: نشر مرکز.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۶). *بحران مشارکت سیاسی و انتخابات ۱۳۷۶*. تهران: طرح نو.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۶). *جامعه مدنی، قدرت، ایدئولوژی: موانع تحقق جامعه مدنی در ایران*، در مجموعه مقالات *تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی*، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- پلامناتز، پیرنه. (۱۳۸۱). *شرح و نقدی بر فلسفه اجتماعی و سیاسی هگل*. ترجمه حسین بشیریه. تهران: نشر نی.
- تاجیک، محمد رضا. (۱۳۷۷). *متن، وانموده و تحلیل گفتمان*. *فصلنامه گفتمان*، ۱، ۱-۱۵-۵.
- ترنر، برایان. (۱۳۷۹). *ماکس وبر و اسلام*، بررسی انتقادی. ترجمه سعید وصالی. تهران: نشر نی.
- جعفری، زهرا. (۱۳۸۹). *روش تحلیل گفتمان*. *کتاب نامه علوم اجتماعی*، ۲۵، ۷۵-۶۴.
- حقیقت، سید صادق. (۱۳۸۵). *روش شناسی علوم سیاسی*. قم: دانشگاه مفید.
- حجاریان، سعید. (۱۳۷۷). *تلاقی جمهوریت و مشروطیت*، تهران: طرح نو.
- حسینی پاکدل، علیرضا و زردار، زرین. (۱۳۹۰). *بازنمایی مفهوم شهروندی در مطبوعات ایران*. *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۵۳، ۱۳۴-۹۳.
- زندی، داوود. (۱۳۷۶). *رابطه جامعه مدنی و دولت: بررسی تطبیقی لاک و گرامشی*، راهبرد، ۱۴، ۱-۱۶.

- آهنگر، عباسعلی؛ سلطانی، علی اصغر و خوشخونزاد، امیرعلی. (۱۳۹۳). تحلیل گفتمانی انشقاق جریان اصول گرا به خرده گفتمان های جبهه پایداری و جبهه متحد اصولگرایی در انتخابات ۱۳۹۰. پژوهش های زبان شناسی، ۶(۱)، ۱۵-۱.
- سلطانی، علی اصغر. (۱۳۸۴). قدرت، گفتمان و زبان. تهران: نشر نی.
- سلطانی، علی اصغر. (۱۳۸۳). تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش. فصلنامه علوم سیاسی، ۲۸، ۱۸۰-۱۵۳.
- شیخ زاده، حسین. (۱۳۸۴). نخبگان و توسعه ایران. تهران: مرکز باستان شناسی اسلام و ایران.
- قی، برایان. (۱۳۸۱). فلسفه علوم اجتماعی. ترجمه خشایار دیهیمی. تهران: طرح نو.
- فوکو، میشل. (۱۳۷۸). نظم گفتار. ترجمه باقر پرهام. تهران: نشر آگه.
- لک، بهروز. (۱۳۸۶). کاربرد تحلیل گفتمان در مطالعات سیاسی اسلامی. در روش شناسی در مطالعات سیاسی اسلام (ص. ۵۸۱-۵۴۹). تهران: دانشگاه امام صادق.
- کرایب، یان. (۱۳۹۲). نظریه اجتماعی مدرن (چاپ هشتم). ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر آگه.
- کسرابی، محمد سالار. (۱۳۸۹). نظریه گفتمان لاکلا و موفه، ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده های سیاسی، نامه سیاست، ۳، ۴۱-۲۳.
- میرسپاسی، علی. (۱۳۸۸). اخلاق در حوزه عمومی. تهران: نشر ثالث.
- معماریان، امید. (۱۳۸۲). جامعه مدنی ایران و نگاهی به آینده. تهران: نشریه سیاسی نو.
- مک دائل، دایان. (۱۳۸۰). مقدمه ای بر نظریه گفتمان. ترجمه حسن علی نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان.
- مصلی، احمد. (۱۳۹۱). گفتمان های بنیاد گرایی جدید در باب جامعه مدنی، کثرت گرایی و مردم سالاری، ترجمه محمد تقی دل افروز. راهبرد، ۱۳، ۱۷۴-۱۵۵.
- مقدمی، محمد تقی. (۱۳۹۰). نظریه تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه، تحلیل و نقد آن، مجله معرفت فرهنگی-اجتماعی، ۲(۲)، ۹۱-۱۲۴.
- موزلیس، نیکوس. (۱۳۷۷). نوگرایی و توسعه نوین و جامعه مدنی. ترجمه علی اویسی. تهران: نشر ثالث.
- معتمدنژاد، کاظم و مهدی زاده طالش، محمد. (۱۳۸۶). بازنمایی ایران در مطبوعات غرب. فصلنامه علوم اجتماعی، ۳۶، ۳۵-۱.

- نجاتی حسینی، سید محمود. (۱۳۸۶). سیاست‌های دینی و فرهنگ مردمی در ایران: تحلیل گفتمان انتقادی برنامه‌های توسعه (۸۸-۱۳۶۸). فصلنامه صادق، ۱۴(۳۲)، ۷۷-۴۷.
- نش، کیت. (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت (چاپ یازدهم). ترجمه محمد تقی دلفروز. تهران: کویر.
- هال، استوارت. (۱۳۸۲). غرب و بقیه: گفتمان و قدرت. ترجمه حسین راغفر. تهران: نقش و نگار.
- هوارث، دیوید. (۱۳۷۸). گفتمان، روش و نظریه در علوم سیاسی. ترجمه امیر محمد حاج یوسفی. مجله مطالعات راهبردی، ۲، ۱۹۵-۲۲۲.
- یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز. (۱۳۸۹). نظریه و روش تحلیل درگفتمان. ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشرنی.
- Calvert, B., Casey, N., Casey, B., French, L., & Lewis, J. (2007). *Television studies: the key concepts*. London: Routledge.
- Gerschenkron, A. (1962). *Economic backwardness in historical perspective: a book of essays* (No. 330.947 G381). Cambridge, MA: Belknap Press of Harvard University Press.
- Foucault, M. (1972). *The order of things: the archaology of the Human sciences*. New York: Vintage Books.
- Hall, S. & Gieben, B. (1992). *Formation of modernity*. Cambridge: Polity Press.
- Hall, S. (1997). The work of representation, In *Representation: cultural representations and signifying practices*. Sage Publications.
- Laclau, E., & Mouffe, C. (1985). *Hegemony and socialist strategy: towards a radical democratic politics*. Lonaon: Verso.
- Mouzelis, N. (1978). *Ideology and class politics*. Cambridge: New Left Review.
- Van Dijk, T. A. (1993). *Elite discourse and o'barr (Eds), language and powerracism*. Newbury Park, CA: Sage.
- Wodak, R. (1996). *Disorders of discourse*. London: Longman.

